

The Economic Effects of Changing the Use of Lands and Gardens in Iranian Jurisprudence and Law

Ali Haddad Rahmati¹, Mohammad Ali Taheri Bejd^{2*}, Seyed Hassan Hashemi³

1. PH. D Student of Department of Criminal Law and Criminology, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran

2. Assistant Professor of Department of Criminal Law and Criminology, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

3. Assistant Professor of Department of Criminal Law and Criminology, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 423-440

Article history:

Received: 6 Apr 2023

Edition: 2 Jun 2023

Accepted: 26 Jul 2023

Published online: 30 Sep 2023

Keywords:

Change of Use, Lands, Gardens, Sustainable Development, Economy, Environment.

Corresponding Author:

Mohammad Ali Taheri Bejd

Address:

Iran, Birjand, Islamic Azad University, Birjand Branch, Department of Criminal Law and Criminology.

Orchid Code:

0009-0007-3191-6467

Tel:

056-31310

Email:

mtaheri@birjand.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aims: The increasing trend of land use change in recent years has caused irreparable damage to natural areas. The purpose of this article is the economic and social effects of the unauthorized change of use of lands and gardens in Iranian law.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative and data collection has been used.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: Decrease in production of agricultural products and threat to food security, loss of vegetation, decrease in biodiversity, erosion and decrease in soil fertility, expansion of deserts and the occurrence of natural disasters and negative environmental consequences such as contamination of water and soil resources by polluting industries. Unauthorized, especially on the banks of rivers and sea coasts and areas adjacent to sources of drinking water and agriculture, and finally the gradual death of farmers is one of the most important economic effects of changing the use of lands and gardens.

Conclusion: Preservation of natural resources, environment and agricultural lands is essential and will guarantee sustainable development. In jurisprudence, the preservation of agriculture and the development of agriculture are emphasized as an important economic activity.

Cite this article as:

Haddad Rahmati A, Taheri Bejd M A, Hashemi S H. *The Economic Effects of Changing the Use of Lands and Gardens in Iranian Jurisprudence and Law. Economic Jurisprudence Studies. 2023.*

دوره پنجم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۲

آثار اقتصادی تغییر کاربری اراضی و باغات در فقه و حقوق ایران

علی حداد رحمتی^۱، محمدعلی طاهری بجد^{۲*}، سید حسن هاشمی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.
۲. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.
۳. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: روند رو به افزایش تغییر کاربری زمین در سال‌های اخیر خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به عرصه‌های طبیعی وارد کرده است. هدف مقاله حاضر آثار اقتصادی و اجتماعی تغییر کاربری غیر مجاز اراضی و باغات در حقوق ایران است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: کاهش تولید محصولات کشاورزی و تهدید امنیت غذایی، از بین رفتن پوشش گیاهی، کاهش تنوع زیستی، فرسایش و کاهش حاصل‌خیزی خاک، گسترش بیابان‌ها و وقوع بلایای طبیعی و پیامدهای منفی زیست‌محیطی هم‌چون آلوده شدن منابع آبی و خاکی توسط صنایع آلاینده غیر مجاز به‌خصوص در حاشیه رودخانه‌ها و ساحل دریا و مناطق مجاور منابع آب شرب و کشاورزی و در نهایت مرگ تدریجی کشاورزان از مهم‌ترین آثار اقتصادی تغییر کاربری اراضی و باغات است.

نتیجه: حفظ منابع طبیعی، محیط زیست و اراضی کشاورزی از ضروریات است و ضامن توسعه پایدار خواهد بود. در فقه نیز بر حفظ کشاورزی و توسعه کشاورزی به‌عنوان فعالیت مهم اقتصادی تأکید شده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۲۳-۴۴۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸

واژگان کلیدی:

تغییر کاربری، اراضی، باغات، توسعه پایدار، اقتصاد، محیط زیست.

نویسنده مسئول:

محمدعلی طاهری بجد

آدرس پستی:

ایران، بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

کد ارکید:

0009-0007-3191-6467

تلفن:

۰۵۶-۳۱۳۱۰

پست الکترونیک:

mtaheri@birjand.ac.ir

۱. مقدمه

تحقیقاتی، آموزشی در قالب مدیریت جامع و فراگیر است. بنابراین استفاده از اراضی برحسب استعداد و قابلیت آن‌ها در چهارچوب یک برنامه‌ریزی صحیح مدیریتی می‌تواند از هدر رفتن منابع جلوگیری کند. در خصوص تغییر کاربری اراضی کشاورزی پژوهش‌های متعددی انجام شده است. اسمعیل‌پور و عزیزپور (۱۳۸۸) در مقاله‌ای، تغییر کاربری اراضی کشاورزی و افزایش نسبی دمای شهر یزد ناشی از رشد سریع آن را بررسی کرده‌اند. مطابق نتایج مقاله مذکور، تغییر کاربری اراضی در فاصله سال‌های ۱۳۶۲ تا کنون با گسترش سریع همراه بوده است که به‌موجب آن ۸۷۵/۳ هکتار یا ۷/۷ درصد از اراضی زراعی و باغات شهر نابود شده است و به‌دنبال آن از مساحت مناطق دارای کلاس‌های بسیار خنک و خنک در این شهر کاسته شده است و مساحت مناطق با کلاس گرم و خیلی گرم افزوده شده است. قماش‌پسند و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای، نقش خانه‌های دوم در تغییر کاربری اراضی کشاورزی روستاهای بخش مرکزی شهرستان لاهیجان را مورد بررسی قرار داده‌اند. نمونه آماری ۳۰ روستای بخش مرکزی است که با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شده‌اند و برای داده‌پردازی و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است. بالا بودن هزینه تولید در مقایسه با درآمد حاصل از فروش محصولات کشاورزی، هجوم مهاجران غیر بومی برای ویلاسازی و خانه‌های دوم به‌منظور استفاده در تعطیلات و یا اقامت دائم، موجب تغییر کاربری اراضی شالیزار، باغات چای و توتستان‌ها در روستاهای مورد مطالعه شده است. از مهم‌ترین پیامدهای منفی خانه‌های دوم می‌توان به تشدید تغییر کاربری اراضی

تغییر کاربری هر گونه اقدامی است که مانع از بهره‌برداری و استمرار کشاورزی اراضی زراعی و باغ‌ها می‌شود؛ اعم از اینکه کاربری کشاورزی زمین از بین برده شود و به‌جای آن کاربری جدیدی احداث شود و یا اینکه صرفاً اقدام به از بین بردن کاربری کشاورزی صورت گیرد و اقدامات جایگزین هنوز به مرحله عمل و بهره‌برداری نرسیده باشد. یکی از چالش‌های اساسی فراروی کشاورزی در ایران تغییر کاربری اراضی است. در سال‌های اخیر با روند توسعه صنعتی کشور و افزایش رشد جمعیت، خاک‌های مناسب که در فرآیند تشکیل پس از قرن‌ها بستر مناسبی را برای کشاورزی به‌وجود آورده‌اند، عموماً بدون مطالعه علمی و اصولی به ساختمان‌ها، راه‌ها، کارخانه‌ها و غیره تغییر کاربری یافته‌اند. تخریب حدود ۶۰۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی از سال‌های ۶۰ تا ۱۳۷۰ در نتیجه توسعه شهرها به‌خصوص اراضی حاصل‌خیز حاشیه شهرها و تغییر کاربری سالانه حدود ۲۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی گواه این مسئله است. امروزه موضوع تغییر کاربری اراضی در بسیاری از مناطق جهان به‌ویژه ایران به یک بحران جدی تبدیل شده است که این امر بازنگری مجدد در وضعیت و تعیین آمایش سرزمین را به‌عنوان یک ضرورت می‌طلبد. آمایش، به‌معنی هنر یا فن جای دادن با نظم و ترتیب و آراسته کردن همراه با آینده‌نگری انسان‌ها، فعالیت‌ها، زیرساخت‌ها و وسایل ارتباطی در خدمت انسان‌ها در فضای یک کشور با در نظر گرفتن الزامات طبیعی، انسانی و اقتصادی است. مدیریت نادرست و نارسایی‌های قانونی، موجب شتاب تغییر کاربری اراضی شده است. تداوم زندگی منوط به تحولی بنیادین در ساختار قانونی،

و باغات به واحدهای مسکونی، تغییر چشم‌اندازها و ناهماهنگی در بافت کالبدی و ناپایداری روستاهای مورد مطالعه اشاره کرد. همچنین سعدی و عوافی اکمل (۱۳۹۷) در مقاله‌ای، عوامل مؤثر بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی در روستاهای شهرستان همدان را بررسی کرده‌اند. نتایج تحلیل، پنج عامل را به‌عنوان دلایل گرایش به تغییر کاربری اراضی کشاورزی شناسایی کرده است که عبارت‌اند از: توسعه‌نیافتگی کشاورزی، اقتصادی نبودن بخش کشاورزی، ضعف اطلاعات و اجرای نادرست برنامه‌های عمران روستاها، توسعه شهرها و تمایل جوانان به مشاغل غیر کشاورزی در شهرها که در مجموع ۵۹/۲۳۲ درصد از متغیرهای تغییر کاربری را تبیین کرده است. همچنین، با افزایش جاذبه بخش کشاورزی برای کشاورزان و سرمایه‌گذاران این بخش، اجرای دقیق سیاست‌های توسعه روستایی با تأکید بر حفظ کاربری اراضی، افزایش جاذبه و کاهش دافعه زندگی روستایی برای جوانان و مدیریت ساخت‌وساز در اراضی کشاورزی به‌عنوان خانه دوم، می‌توان از گرایش کشاورزان به تغییر کاربری اراضی کشاورزی جلوگیری کرد. در مقاله حاضر تلاش شده است به بررسی آثار اقتصادی تغییر کاربری اراضی و باغات در فقه و حقوق ایران تمرکز شود و نوآوری این مقاله در بررسی همین موضوع است. سؤال اساسی مقاله حاضر این است که آثار اقتصادی تغییر کاربری غیر مجاز اراضی و باغات در حقوق ایران چیست؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا آثار اقتصادی تغییر کاربری غیر مجاز اراضی و باغات در حقوق ایران بررسی می‌شود.

۲. مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها: کاهش تولید محصولات کشاورزی و تهدید امنیت غذایی، از بین رفتن پوشش گیاهی، کاهش تنوع زیستی، فرسایش و کاهش حاصل‌خیزی خاک، گسترش بیابان‌ها و وقوع بلایای طبیعی و پیامدهای منفی زیست‌محیطی همچون آلوده شدن منابع آبی و خاکی توسط صنایع آلاینده غیر مجاز به‌خصوص در حاشیه رودخانه‌ها و ساحل دریا و مناطق مجاور منابع آب شرب و کشاورزی و در نهایت مرگ تدریجی کشاورزان از مهم‌ترین آثار اقتصادی تغییر کاربری اراضی و باغات است.

۵. بحث

در این قسمت مفاهیم پژوهش و یافته‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. آثار اقتصادی تغییر کاربری غیر مجاز اراضی و باغات

در فقه احکام عامی وجود دارد که با استفاده از آن‌ها می‌توان مسائل جدید را بررسی و تطبیق داد. مهم-

ترین این اصول، اصل الضرر است (حر عاملی، ۱۴۰۱، ج ۱، ۵۸). این اصل در حقیقت روح حاکم بر تمام قوانین اسلامی است. طبق این قاعده هیچ‌کس نمی‌تواند فعالیت‌هایی که به زیان دیگری باشد انجام دهد و چنانچه هرگونه زبانی از او به دیگری وارد شود، گرچه این کار او به‌منظور اعمال حق خویش باشد؛ مضمن جبران خسارت وارد شده است، حتی تمسک به اصل تسلیط: «الناس مسلطون علی اموالهم»، تا زمانی امکان‌پذیر است که بین آن و قاعده الضرر تعارضی به‌وجود نیاید. در غیر این صورت، اصل الضرر مرجع است (محقق داماد، ۱۳۶۳، ج ۱، ۱۵۳). بر همین اساس، هر شخصی که با تولید یا مصرف خود باعث آلوده‌سازی محیط زیست شود، از جهت شرعی ضامن است و در مواردی که طرف مقابل او اجتماع یا نسل‌های آینده باشد، دولت موظف است به نمایندگی از عموم مردم به احقاق حق آنان و جلوگیری از چنین عملی اقدام کند. علاوه بر اصل الضرر، موازین دیگری نیز وجود دارد که با استناد به آن‌ها می‌توان مانع اجرای اعمالی شد که باعث تخریب و آلوده‌سازی محیط زیست می‌شوند. بنابراین ثروت‌های عمومی مربوط به همگان هستند و لطمه زدن به آن‌ها حتی در حکومت جور نیز جایز نیست. از این ثروت‌های عمومی و موهبت‌های طبیعت در اسلام با عنوان انفال یاد شده است (میرحسینی، ۱۳۸۰، ۱۰۳).

۵-۱-۱. تأثیر منفی بر اشتغال

«تغییر کاربری اراضی کشاورزی بیش از هر نوع تحول و توسعه‌ای در روستا باعث پدید آمدن تغییرات ساختاری در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی روستاها شده است. تغییر کاربری کشاورزی در سطح

توسعه اقتصادی-اجتماعی، نابرابری درآمد روستاییان، کاهش فعالیت‌های کشاورزی و افزایش نرخ فعالیت در دو بخش صنعت و خدمات تأثیر به-سزایی دارد. همچنین تغییرات کاربری اراضی کشاورزی ناشی از تقاضای ساخت‌وسازهای تفریحی و خانه دوم و فعالیت‌های گردشگری، طبیعت روستا را با دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو می‌کند» (ذوقی و دیگران، ۱۳۹۳).

بخش کشاورزی به‌طور مستقیم از طریق تولید بیشتر و صادرات و به‌صورت غیر مستقیم از طریق افزایش تقاضا برای خدمات و کالاهای صنعتی در جوامع روستایی، به رشد اقتصادی کمک کرده است و در نتیجه موجب خلق فرصت شغلی جدید می‌شود (معین‌الدین، ۱۳۸۴، ۸۳). یکی از دلایل کم‌توجهی به اشتغال‌زایی در کشاورزی در کشورهای در حال توسعه، وجود این دیدگاه در نزد مسئولان و برنامه‌ریزان این کشورهاست که کشاورزان خرده‌پا کارایی چندانی ندارند و مزارع بزرگ و مکانیزه پسندیده‌تر است و نمادی از اقتصاد پیشرفته به‌حساب می‌آید؛ درحالی‌که مطالعات فراوان در دو دهه گذشته نشان داده است که زمینه اشتغال‌زایی در مزارع بزرگ و کوچک تقریباً برابر هستند. کشاورزی توسعه‌یافته وضعیتی است که در آن تعادل بین ظرفیت‌های تولیدی و پایداری منابع به‌وسیله توانایی‌های انسانی پویا است. در این سیستم به‌دلیل پتانسیل‌های درونی و گسترده‌ی حیطه عمل زمینه‌های فراوانی برای ایجاد اشتغال وجود دارد. به‌طوری که بخش کشاورزی هم‌اینک بیشترین درصد نیروی کار در جهان را به خود اختصاص داده است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که تجارب تلخی

بدون تردید دستیابی به امنیت غذایی پایدار مستلزم توسعه کشاورزی و توسعه روستایی در کشور است. شواهد آماری نشان می‌دهند «درحالی‌که متوسط رشد اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۱ با لحاظ کردن رشد بخش نفت برابر ۶/۵٪ بوده است، رشد بخش کشاورزی به تنهایی معادل ۱۰/۳٪ گزارش شده است. رشد صنعت، خدمات، ساختمان و مسکن در این سال به ترتیب ۱۱، ۵ و ۳٪ بوده است. این امر توجه به توسعه روستایی به دلیل ارتباط ذاتی آن با رشد بخش کشاورزی را می‌طلبد. به‌ویژه اینکه بخش اعظم تولید بخش کشاورزی در چرخه اقتصاد روستایی به‌عمل می‌آید و تنها بخش اندکی از آن در حاشیه شهرها و مستقل از چرخه اقتصاد روستایی انجام می‌شود» (رنجبر، ۱۳۸۴، ۷۵).

توسعه روستایی منجر به افزایش تولید و بهره‌وری در بخش کشاورزی و بخش‌های وابسته به آن؛ افزایش سطح درآمد روستاییان؛ ارتقای سطح مهارت‌ها و توانمندی‌های روستاییان؛ ایجاد فرصت‌های شغلی جدید؛ تأمین حداقل نیازهای معیشتی روستاییان و بهره‌برداری بهینه از منابع محلی است (کاپاتاس، ۱۳۸۱، ۶۷). بی‌توجهی مستمر به اولویت‌های توسعه روستایی از جمله حفاظت از اراضی کشاورزی می‌تواند منجر به بروز مشکلات دیگری شود که دست‌یابی به اهداف توسعه ملی را به تأخیر می‌اندازند. مشکلاتی نظیر بی‌سوادی، افزایش مهاجرت بی‌رویه به نواحی شهری که این مسئله به نوبه خود منجر به رشد زاغه‌ها، افزایش اشتغال ناقص غیر رسمی، فروپاشی خانواده‌ها، رشد از خود بیگانگی اجتماعی، افزایش جرم (شامل جرم‌های مرتبط با مواد مخدر) و خشونت و در نتیجه نیاز به افزایش محافظت پلیس،

از صنعت‌گرایی صرف و یک‌جانبه‌نگری در یافتن مسیر توسعه داشته‌اند گرایش به سمت کشاورزی توسعه‌یافته مبتنی بر توانایی‌های انسانی منطقی به نظر می‌رسد (توپچی، ۱۳۸۵، ۷۶).

بدون شک، توجه و استفاده از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های روستاها برای ایجاد اشتغال، کارآفرینی را تسهیل می‌کند. با نادیده گرفتن ظرفیت روستاها در توسعه اشتغال، بحران اشتغال مهارشدنی نخواهد بود و مهار بحران اشتغال از ضروریات توسعه پایدار است (سمیعی، ۱۳۸۵، ۱۲).

بیکاری اقتصادی اجتماعی و افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها، وابستگی به بیگانگان و افزایش بیکاری، کاهش درآمد کشاورزان، توسعه نامتوازن شهرها و شهرک‌ها و رشد معضل حاشیه‌نشینی، کاهش شدید و غیر قابل جبران کیفیت و کمیت تولیدات کشاورزی و سطح زیر کشت محصولات زراعی و باغی به‌خصوص در اراضی مرغوب کشاورزی و خروج عرصه‌های کشاورزی از چرخه تولید و تغییر اقلیم از بزرگ‌ترین مشکلات ناشی از تغییر کاربری غیر مجاز اراضی کشاورزی است.

۵-۱-۲. تأثیر منفی بر توسعه روستایی

توسعه روستایی در تعریف اصلاح‌شده، شامل کشاورزی، امنیت غذایی، آموزش، زیرساخت‌ها، بهداشت، ایجاد ظرفیت‌ساز دیگر کارهای غیر کشاورزی، مؤسسه‌های روستایی و نیازهای گروه‌های آسیب‌پذیر است.

افزایش نا هم‌خوانی ثروت، از خود بیگانگی سیاسی، افزایش هزینه‌های کنترل آلودگی، بهداشت، درمان و غیره می‌شود.

گسترش بی‌رویه و بی‌برنامهٔ تغییر کاربری اراضی کشاورزی، می‌تواند پیامدهایی از قبیل تغییر چشم‌اندازهای طبیعی، توسعهٔ ساخت‌وساز در اراضی بکر، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی و عدم تعادل اکوسیستم را در پی داشته باشد. تخریب چشم‌اندازهای طبیعی از طریق تغییر نامطلوب کاربری زمین، علاوه بر پیامدهای منفی زیست محیطی، زمینهٔ حذف جلوه‌های زیبایی‌شناختی جاذبه‌های گردشگری را فراهم می‌کند و به زوال گردشگری و از بین رفتن فرصت‌های توسعه در آینده می‌انجامد. گردشگری انبوه و خودجوش، بذر تخریب خود را می‌پاشد و همان جذابیت‌های محیطی را که گردشگران برای مشاهدهٔ آن‌ها به مقصد عزیمت کرده‌اند، از بین می‌برد. این پدیده و سایر روندهای مشابه و برآمده از درون فرایند توسعهٔ گردشگری، با ایجاد رقابت بر سر مالکیت زمین موجب افزایش قیمت زمین می‌شوند. در چنین شرایطی دست‌اندازی بی‌رویه به حریم منابع طبیعی، سوداگری زمین و کالایی شدن آن شتاب می‌گیرد و زمینهٔ تخریب روزافزون اراضی و ناپایداری اکولوژیکی در نواحی مقصد فراهم می‌شود.

۵-۱-۳. تأثیر منفی بر امنیت غذایی

امنیت غذایی سنگ‌بنای یک جامعهٔ توسعه‌یافته و عنصر اصلی سلامت فکری، روانی و جسمی آن جامعه است (رنجبر، ۱۳۸۴، ۶۳). تجربیات و نتایج پژوهش‌ها

نشان می‌دهد که بهبود تغذیه‌ای و امنیت غذایی جامعه با ارتقای سلامت و بهبود رشد جسمانی و ذهنی افراد و در نتیجه افزایش بهره‌وری اجتماعی و تولید ناخالص ملی و رفاه جامعه ارتباط زیادی داشته و دارد (گرشاسبی، ۱۳۸۳). «سرچشمهٔ فکری امنیت غذایی به بحران غذا در جهان در اوایل دههٔ ۱۹۷۰ و حتی پیش از آن به اعلامیهٔ حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ برمی‌گردد. هم‌چنین بانک جهانی در سال ۱۹۸۶ امنیت غذایی را به مفهوم دسترسی همهٔ مردم به غذای کافی در هر زمانی برای ارائهٔ یک زندگی سالم و پویا تعریف کرد و یکی از شروط اصلی توسعه‌یافتگی را حذف فقر، گرسنگی و سوءتغذیه اعلام نمود» (معین‌الدین، ۱۳۸۴، ۷۸). بر اساس بند اول مادهٔ ۱۱ پیمان جهانی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجودیت گرسنگی، نقض حقوق بشر است و وظیفهٔ اصلی دولت‌ها آن است که هرچه سریع‌تر اقدامات لازم را برای رفع گرسنگی، فقر، بهبود وضع تغذیه و توسعهٔ جامعهٔ خویش انجام دهند. در قانون اساسی کشور (اصول ۲۹، ۳ و ۴۳) نیز ضرورت تأمین نیازهای اساسی و رفع فقر و محرومیت در تمام امور اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. در اجلاس جهانی غذا که در سال ۱۹۹۶ در مقر فائو در شهر رم ایتالیا با شرکت ۱۸۶ کشور برگزار شد، آن‌ها تعهد خود را به کاهش تعداد گرسنگان به نصف رقم فعلی تا سال ۲۰۱۵ اعلام کردند که با توجه به شرایط کنونی دنیا به نظر می‌رسد تحقق این امر نیاز به زمان بیشتری دارد. هم‌چنین در اجلاس گروه ۸ که در شهر جنوا ایتالیا در خردادماه ۱۳۷۹ برگزار شد، حمایت از کشاورزی و توسعهٔ آن و امنیت غذایی به‌عنوان محور استراتژی-های فقرزدایی موردتوجه قرار گرفته است. ایران بنابر

و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم منجر به کاهش امنیت غذایی می‌شود (خواجه و دیگران، ۱۳۹۳، ۳).

به عبارتی تغییر کاربری اراضی زراعی به‌نوعی تهدیدی خاموش برای بخش کشاورزی قلمداد می‌شود؛ زیرا انتظار آن است که در آینده نزدیک تأمین امنیت - غذایی و ضریب خودکفایی را به مخاطره اندازد (خواجه و دیگران، ۱۳۹۳، ۳). در چنین وضعیتی کاربری پایدار زمین به موضوع سیاسی مهمی تبدیل شده است که باید به آن توجه کرد.

«ناامنی غذایی به‌مثابه یک بد عمومی می‌ماند که برون‌داده‌های منفی آن کلیت جامعه را در عدم مزیت قرار می‌دهد و نه‌تنها توانمندی و قابلیت‌های یک ملت را تحلیل می‌برد بلکه منابع کمیاب آن را نیز از استفاده‌های کار ایشان دور خواهد کرد و در نهایت به فقیرتر شدن یک ملت می‌انجامد. ناامنی غذایی عزت‌نفس یک ملت، به‌عنوان ستون اصلی توسعه و استقلال ملی را تخریب و با ایجاد اختلال در انباشت و انعقاد یافتگی سرمایه اجتماعی کنش‌های جمعی را بسیار پرهزینه می‌کند و در نتیجه امکان وفاق و وحدت ملی را کاهش می‌دهد» (رضوی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲، ۳۷۳). «کشاورزی هم به‌طور مستقیم با عرضه مواد غذایی اساسی در کشور و هم به‌صورت غیر مستقیم با تأمین بخشی از رشد اقتصادی و شتاب بخشیدن به آن و نیز تولید اشتغال برای بخشی از نیروی فعال کشور به تأمین امنیت غذایی و در نتیجه تقویت امنیت ملی کشور کمک می‌رساند. بدون تردید دستیابی به امنیت غذایی پایدار مستلزم توسعه کشاورزی و توسعه روستایی در کشور است. از آنجاکه بیشترین منابع پایه تولید در حیطه فعالیت روستاییان مورد استفاده قرار می‌گیرد، به همین دلیل

طبقه‌بندی فائو در ردیف کشورهای در حال توسعه قرار دارد. به این دلیل و با توجه به ترکیب جمعیتی و فرهنگی تأمین مواد غذایی از اهم امور کشور محسوب می‌شود (گرشاسبی، ۱۳۸۳، ۴۳).

زمین منبعی طبیعی است که نقش کلیدی در تولید کشاورزی دارد؛ به‌طوری که می‌تواند به‌صورت منفی یا مثبت از فعالیت‌های بشر تأثیر پذیرد (احمدپور و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۱۴). کاربری زمین نمونه‌ای از تأثیرگذاری انسان بر محیط است و از نظر ماهیتی که دارد، دارای ویژگی اقتصادی خاصی است. به‌رای مثال، فعالیت‌های انسانی نظیر تولید، مصرف، سرمایه‌گذاری، تفریح و ... مستلزم استفاده از فضای جغرافیایی است (مطیعی‌لنگرودی و دیگران، ۱۳۹۱). تغییر کاربری اراضی به‌معنای تغییر در نوع استفاده از زمین است که این تغییرات نتیجه فعل و انفعالات پیچیده عوامل متعددی چون سیاست، مدیریت، فرهنگ، رفتار انسانی و محیط هستند (خواجه و دیگران، ۱۳۹۳، ۳). به بیان دیگر، تقاضای روزافزون برای تغییر کاربری زمین، الگوی تخصیص زمین و شیوه‌های مدیریت آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چرا که با افزایش تقاضای زمین سرانه دسترسی به منابع طبیعی کاهش خواهد یافت. از مصادیق بهره‌برداری ناصحیح از منابع زمین، تغییر کاربری اراضی مولد و باغات به پهنه‌های مسکونی است و در مناطقی که زمین محدود است تبدیل اراضی کشاورزی مرغوب به کاربری‌های ساخته‌شده اثرات منفی به‌همراه خواهد داشت (مهدوی و دیگران، ۱۳۹۲، ۶۰-۴۹). در نتیجه سبب تحول در ساختار اقتصادی روستاها و از بین رفتن اراضی کشاورزی (افراخته و دیگران، ۱۳۹۲)

امنیت غذایی و در نهایت امنیت ملی کشور از این محل در گرو بهره‌برداری اصولی و احیای منابع پایهٔ تولید است» (هاتفی و دیگران، ۱۳۹۱، ۳۶).

«معمولاً ملت‌ها دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به مقولهٔ امنیت ملی دارند و اصولاً موضوعات را بسته به اهمیت‌شان در دستور کار سیاسی، جزء مسائل امنیتی می‌گنجانند. بر اساس ماهیت تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها نیز در هر کشور، بسته به موضوع و برحسب زمان فرق می‌کنند. در پرتو تحولات نوپیدا، دیگر منشأ عمدهٔ تهدید نه خارجی که داخلی است و ماهیت تهدید نیز نه نظامی؛ بلکه اقتصادی است و مؤلفه‌هایی از قبیل نرخ بیکاری، تورم، میزان ناخالص ملی، درآمدسرانه، ذخیرهٔ ارزی و میزان جمعیت فعال جایگزین تهدید نظامی شده‌اند. این عوامل در کنار مواردی چون توانایی دولت در عرصهٔ سطح معقولی از رفاه اجتماعی امنیت غذایی مقبولیت و مشروعیت دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهند» (رنجبر، ۱۳۸۴، ۶۷). تاریخ روابط بین کشورها نشان می‌دهد که کشورهای قدرتمند در بیشتر موارد از مواد غذایی به‌عنوان حربه‌ای سیاسی علیه کشورهای جهان سوم بهره گرفته‌اند. استفادهٔ قدرت‌های بزرگ جهانی از ابزار فروش نفت در قبال خرید مواد غذایی علیه مردم عراق در دوران حکومت دیکتاتوری صدام و یا تهدید به تحریم غذایی برای وادار کردن کرهٔ شمالی به تسلیم در مقابل خواسته‌های آن‌ها در عرصهٔ انرژی هسته‌ای از مثال‌های روشن در این مقوله هستند (انصاری‌فرد، ۱۳۸۵). تحریم در سال‌های اخیر به‌دلیل دست یافتن به فناوری هسته‌ای نمونهٔ بارز آن است. زمین کشاورزی در حقیقت سرمایه‌ای ملی است که برای به‌وجود

آوردن آن به‌صورت حاصلخیز فعلی، سال‌های متمادی نیرو و سرمایهٔ صرف شده است. بدون شک انسان‌ها برای تأمین نیازهای اساسی و حیاتی خویش و نسل‌های آینده به زمین وابسته‌اند. با توجه به شرایط اقلیمی کشور که دارای اراضی مستعد کشاورزی محدودی است و از طرفی دخالت‌های غیر علمی و غلط انسانی که منجر به کاهش میزان تولید در هکتار و در نهایت خارج شدن اراضی از چرخهٔ تولید می‌شود. تغییر کاربری اراضی کشاورزی به‌تنهایی شاید یکی از معضلات اصلی و عمدهٔ سال‌های اخیر در تخریب این اراضی در کشور بوده است. برای اینکه قدرت تولید مواد غذایی برای نسل‌های امروز و آینده حفظ شود راهی جز نگهداری و بهره‌برداری سنجیده، متوازن و اصولی از زمین وجود ندارد. بدون شک اگر از زمین استفادهٔ منطقی نکنیم جهان آینده، جهانی توأم با فقر و گرسنگی و محیطی آلوده و غیر قابل زندگی خواهد بود و نتیجه همان می‌شود که در یک سیلاب، میلیاردها ریال به اراضی کشاورزی، چاه‌های عمیق، راه‌ها و مناطق مسکونی خسارت وارد می‌شود. حقیقت این است که تخریب و تهمی‌سازی منابع طبیعی با استطاعت محدود زمین سازگاری ندارد و تصور اینکه هنوز می‌توانیم حل این مشکل را به آینده واگذاریم اشتباه است.

۵-۲. آثار اجتماعی و زیست‌محیطی تغییر کاربری اراضی و باغات

در این قسمت آثار تغییر کاربردی اراضی بیان می‌شود.

۵-۲-۱. تأثیر اجتماعی

از پیامدهای ناگوار تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی، جنبه‌های روان‌شناختی و فرهنگی آن است. طبق بررسی‌ها در بسیاری از روستاها درگیری‌های بسیاری بین وراث مبنی بر تغییر کاربری و یا حفظ کشاورزی صورت گرفته است و اختلافات خانوادگی را دامن زده است. «بسیاری از کشاورزان که در سال‌های گذشته به قیمت ارزان، زمین‌های خود را فروخته‌اند پس از افزایش ناگهانی زمین مورد شماتت خانواده و سرزنش خود قرار گرفته‌اند و گاه دچار افسردگی و حتی بیماری‌های روانی شدید شده‌اند. برخی کشاورزان که علاقه به کشت و کار دارند از سوی فرزندان مجبور به تغییر کاربری اراضی می‌شوند و در سال‌های پیری احساس بیکاری و فقدان هویت آنان را آزار می‌دهد. البته این به معنی تأیید کار کشاورزان سالمند که از بیمه تأمین اجتماعی بی‌بهره‌اند نیست؛ ولی بسیاری از سالمندان نیاز دارند در دوران پیری هرچند بسیار سبک و در حد احساس مفید بودن به کشاورزی مشغول باشند که این امکان با تغییرات اراضی کشاورزی از آنان گرفته می‌شود. کشاورزی برای آنان بیش از یک شغل هویت آنان است که با از دست دادن زمین هویت خود را از دست رفته می‌بینید. این امر بنیان خانواده‌ای را که بر اساس زندگی کشاورزی شکل گرفته است متزلزل می‌کند» (صالحی، ۱۳۹۲، ۸۹).

نظام‌های کشاورزی با تغییر و تحولات کل سیستم اجتماعی در ارتباط متقابل هستند. بهره‌برداری‌های کشاورزی با همه فعالیت‌های روستاییان در ارتباط است. به عنوان واقعیتی تفکیک‌ناپذیر از فرهنگ روستایی، ابعاد اقتصادی و اجتماعی زندگی آنان را

تعیین می‌کند. بسیاری از مفاهیم توسعه روستایی با مسائل نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی مربوط است. تغییر در اجزای نظام‌های بهره‌برداری در نهایت به ایجاد تحول منجر خواهد شد و در عین حال خود نیز از تحولات محیط تأثیر خواهد پذیرفت.

در بسیاری موارد پول‌های بادآورده ناشی از این تغییر کاربری‌ها در چرخه فساد وارد می‌شود و در رشوه به کارمندان شهرداری‌ها و فرمانداری‌ها و اعضای شوراها هزینه می‌شود تا امکان تغییر کاربری توسط فرد افزایش یابد. گاه به پشتوانه این سرمایه بادآورده این افراد در انتخابات شوراهای شهر و روستا شرکت می‌کنند تا از قدرت بیشتری برای تغییر کاربری‌ها برخوردار شوند و این منجر می‌شود چرخه فساد با سرعت بیشتری رو به پیش رود. تجربه نشان داده است افرادی که سرمایه‌های خود را با فساد به دست آورده‌اند از هیچ تقلبی برای کسب قدرت در انتخابات رویگردان نیستند که این فساد در نهایت منجر به ورود افراد فاسد به شوراها می‌شود و جلوی رشد و توسعه منطبق بر علم برنامه‌ریزی شهری را می‌گیرد.

تغییر سبک زندگی و توسعه زندگی شهری، کم‌ارزش شدن مشاغل کشاورزی، کم‌ارزش شدن باورها و سنت‌های بومی، کاهش رضایت از زندگی در روستاییان به ویژه کشاورزان، سرعت بخشیدن به روند موارد زیر می‌شود: از بین رفتن سبک زندگی و آداب و سنن روستایی و سنتی، کاهش سلامت جسمی و روانی روستاییان با نابودی کشاورزی، توسعه زندگی شهری و افزایش تشریفات و پیچیدگی‌های اجتماعی و افزایش هزینه‌های زندگی، جذب افراد غیر بومی و افزایش ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی، افزایش قیمت اراضی کشاورزی و تمایل بیشتر به تغییر

کاربری، افزایش مهاجرت به‌ویژه جوانان و مسن شدن جامعهٔ کشاورز، کاهش انگیزهٔ زندگی در نواحی روستایی و خالی از سکنه شدن روستاها، افزایش تراکم جمعیت به‌دلیل کیفیت بالاتر زندگی، تغییر ویژگی‌های جمعیتی به‌ویژه در مناطق روستایی به ترکیب جنسیتی، هرم سنی و تراکم جمعیت.

۵-۲-۲. تأثیر زیست‌محیطی

«در اغلب مناطق دنیا، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، اراضی مرغوب کشاورزی، بیشترین سهم را در تبدیل به کاربری شهری داشته‌اند. گسترش کاربری‌های نامطلوب و ناسازگار، منجر به پیامدهای زیست‌محیطی در یک ناحیه خواهد شد. تبدیل اراضی کشاورزی به ساخت‌وساز یعنی تحمیل کردن کاربری مغایر با توان اکولوژیک آن‌ها و محروم نمودن مردم یک سرزمین از این ظرفیت. تغییر کاربری اراضی یکی از دخالت‌های مهم بشر در اکوسیستم است که روی فرایندهای اکوسیستم به‌ویژه میزان معدنی شدن میکروبی کربن و نیتروژن اثرگذار است» (رضوی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲، ۳۷۳). کاهش کیفیت خاک، کاهش کیفیت هوا، تخریب چشم‌انداز طبیعی، کاهش تنوع زیستی، افزایش بروز حوادث زیست‌محیطی مثل سیل و طوفان و سرمازدگی، افزایش بیابان‌زایی، تولید زباله‌های خطرناک، انتشار گازهای گلخانه‌ای، افزایش آلودگی‌های طبیعی به‌ویژه در مناطق ساحلی (زباله و فاضلاب‌های شهری) از جمله پیامدهای زیست‌محیطی تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی بوده است.

فعالیت‌های انسانی زمین را در مقیاس کرهٔ زمین تحت تأثیر قرار داده است و همراه با پیشرفت‌های تکنولوژیک، پیامدهای فعالیت‌های انسانی هم جلوهٔ بیشتری پیدا کرده است. تمدن بشر استعداد آن را دارد که اقلیم، خاک و آب را به‌شدت دگرگون کند و حتی بر شانس بقای حیات در این کره اثر بگذارد. تغییر کاربری زمین موجب تغییرات محلی و ناحیه‌ای در محیط زیست می‌شود که تغییرات احتمالی دیگری به‌وجود می‌آورد. «تغییر کاربری اراضی منجر به افزایش سطح خاک لخت، تشدید تبخیر و تعرق، ازدیاد ضریب روان‌آب و در پی آن، کاهش تنوع زیستی می‌شود که حاصل آن، هدر رفت منابع آب است» (آقایی، ۱۳۸۳، ۵۶).

بدون شک، تداوم این تغییرات ناخوشایند، تشدید و گسترش جغرافیایی پدیده‌های بیابان‌زایی، سیل و ریزگرد که امروزه در ایران با آن سروکار داریم و روزبه‌روز بر دامنه و شدت آن افزوده می‌شود خود شاخص گویایی از پیامدهای تغییر کاربری اراضی است. این مسئله، چالش اصلی پایداری کشاورزی و محیط زیست بوده است و در صورت ادامهٔ روند فعلی، بحران‌های ملموس‌تری از قبیل نایابی منابع آب، مهاجرت و خسارات هنگفت اقتصادی دور از انتظار نخواهند بود. تغییر کاربری زمین، شامل تبدیل عرصه‌های جنگلی و مرتعی به زمین‌های کشاورزی، خشکاندن چمنزارها، تالاب‌ها و حریم رودخانه‌ها به اراضی آبی، تغییر کاربری مخروط افکنه‌ها، کوهستان‌ها، تخریب سواحل و گسترش غیر اصولی و بی‌برنامهٔ مراکز مسکونی و صنعتی بر شمرده (محمدی لنگرانی و دیگران، ۱۳۹۰، ۸۵). منابع آبی نیز متأثر از تغییر کاربری اراضی است. در جامعهٔ امروز با بحران

جدی تغییرات کاربری اراضی روبه‌رو هستیم اگر در زمینه فرهنگ عدم تغییر کاربری اقدامی صورت نگیرد، در سال‌های پیش رو جدی‌تر نیز خواهد بود.

سیل بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بحران اقلیمی است که همه ساله جان هزاران نفر را می‌گیرد و خسارات فراوان به جامعه انسانی و محیط زیست او وارد می‌کند. این پدیده از گذشته‌های بسیار دور همواره انسان را به هراس انداخته است. شواهد نشان می‌دهد که خسارات ناشی از سیل بیش از سایر سوانح طبیعی است. منشأ بیش از نیمی از بلایای طبیعی آب است. وقوع سیلاب‌های عظیم و مخرب آن‌چنان زندگی اقوام را دچار تحول و آشفتگی کرده است که اثرات وقوع آن‌ها تا به امروز در ذهن بشر نقش بسته است و برخی به شکل اساطیر و افسانه‌ها در فرهنگ ملل ثبت شده است. «سیل ممکن است در اثر بروز یک بارندگی شدید و یا مستمر و یا ذوب ناگهانی برف‌ها در یک حوضه آبخیز و یا در نتیجه شکسته شدن یک سد به وقوع بپیوندد. مفهوم سیل یک اصطلاح نسبی است و نمی‌توان برای آن عدد و رقم بیان داشت یا دبی معینی را ذکر کرد. زیرا هر رودخانه دبی سیلابی ویژه خود را داراست. اکثر مردم وقوع سیل را زمانی می‌دانند که آب اراضی، کشت و زرع، آن‌ها را تهدید کند. بر این اساس مادام که آب در بستر دائمی رودخانه یا مسیل جریان داشته و موجب خسارت و تلفات نشده است عنوان سیل نخواهد داشت. اما هنگامی که حجم آب زیاد شود و بستر دائمی رودخانه توانایی انتقال آب را نداشته باشد و سطح آب آن‌قدر بالا آمده که در روی اراضی مجاور یا بستر سیلابی رود نیز جریان یابد، عنوان سیل یا سیلاب خواهد داشت» (قهرودی و همکاران، ۱۳۹۰).

امروزه عدم تناسب کاربری‌های فعلی با توانایی اراضی، مهم‌ترین دلایل تعدد و افزایش دبی سیلاب‌ها در اکثر نقاط ایران محسوب می‌شود. به‌ویژه در دهه اخیر، خسارات اقتصادی ناشی از بروز چنین سیلاب‌هایی که بر اثر تخریب سازه‌ها، تأسیسات و امکانات حجم و دبی آن‌ها چند برابر می‌شود، وصف‌ناپذیر و تخریب اراضی و فرسایش خاک، که با تغییر کاربری اراضی در ارتباط مستقیم است، به پدیده غالب و مخرب در سطح حوضه‌ها تبدیل شده است. تغییر کاربری به‌صورت مستقیم سیلاب‌های شهری را نیز از راه‌های زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ مانند: از بین بردن پوشش گیاهی و خاک، تخریب و تسطیح زمین، تخریب خطوط تقسیم آب، قطع کردن مسیل‌های زه‌کشی طبیعی و افزایش سطوح نفوذناپذیر (سازه‌های شهری و شبکه‌های ارتباطی) از جمله دلایل افزایش روان‌آب تولیدشده در سطح حوضه‌های آبخیز و نواحی شهری است. افزایش دبی حداکثر، حجم و فراوانی سیلاب در نواحی نزدیک به حوضه‌های آبخیز بالادست، منتج از این دلایل است.

«با توجه به تعاریف فوق، سیل فقط در خارج از بستر دائمی رود یا مسیل رخ می‌دهد و موجب بروز تلفات و خسارات به انسان می‌گردد. اما زمانی مشاهده می‌شود که آب از بستر دائمی رود و مسیل خارج نشده؛ ولی خسارات و تلفاتی را به دنبال داشته است. این مسئله ناشی از اشغال بستر طبیعی رودخانه یا مسیل آن توسط انسان است. هم‌چنان که اشاره شد در وقوع پدیده سیل و در بیشتر موارد تشدید آن، انسان و فعالیت‌های او دخالت مستقیم دارد. نقش عوامل انسانی در تشدید پدیده سیل که روزبه‌روز بر

دامنهٔ آن نیز افزوده می‌شود، امروز به جایی رسیده است که در بروز سیل نیز به‌عنوان یک عامل محسوب می‌شود. تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد دخالت بی‌رویهٔ انسان در محیط، در ظهور سیلاب‌ها نقش قابل ملاحظه‌ای دارند و با روند روزافزون شهرنشینی و توسعهٔ پوشش‌های غیر قابل نفوذ از بین رفتن مراتع و جنگل‌ها هر ساله شاهد افزایش دبی‌های سیلابی آب‌های جاری در مقیاس وسیع‌تری نسبت به گذشته هستیم» (غیور، ۱۰۶، ۱۳۷۱-۷۷). سیلاب خطری است که مکرر اتفاق می‌افتد و باعث صدمات انسانی و خسارت‌های اقتصادی می‌شود که شدت آن در مکان متغیر است. حفاظت در مقابل سیلاب به‌واسطهٔ اقدامات سازه‌ای مختلفی مثل سدها، کانال‌های انحرافی و آب‌انبارها و نیز با اقدامات غیر سازه‌ای مثل هشدار در مورد سیلاب و تخلیهٔ محل‌هایی که آب‌گرفتگی ایجاد شده است، انجام می‌شود.

نیاز انسان به آب باعث شد اکثر تمدن‌های بشری در کنار رودخانه‌ها شکل بگیرند. نیازی که به‌مرور زمان با زیاده‌خواهی انسان به دخالت در طبیعت و تجاوز به بستر و حریم رودخانه‌ها همراه شد. درحالی‌که در روزهای نخست پیدایش تمدن‌های بشری انسان به‌خوبی و به‌طور فطری آموخته بود که برای استفادهٔ بهینه از این منابع خدادادی، می‌باید رودخانه‌ها را دوست داشته باشد؛ اما امروز این دوست داشتن به فراموشی سپرده شده است و گاهی طبیعت نیز قهر خود را نشان می‌دهد و با سیل بستر خود را پاک‌سازی می‌کند تا پاسخی به دست‌اندازی‌ها و بی‌تدبیری‌های انسان داده باشد. بلایای طبیعی که بخشی از آن‌ها در نتیجهٔ دخالت انسان در طبیعت به‌وقوع می‌پیوندند، هر ساله خسارات عمدهٔ جانی و

مالی فراوانی به جوامع بشری وارد می‌کند؛ چنان‌که دههٔ ۹۰ میلادی از سوی سازمان ملل متحد و هواشناسی جهانی دههٔ کاهش بلایای طبیعی اعلام و از تمامی کشورهای جهان دعوت شد تا با همکاری نهادها و سازمان‌های ملی و جهانی در کاهش اثرات این‌گونه بلایا اهتمام بیشتری به خرج دهند. این مهم اهداف بسیاری را مد نظر داشت که مهم‌ترین آن تغییر رفتار در واکنش انسان به بلایای طبیعی است؛ اما در حال حاضر هدف عمدهٔ اکثر کشورهای جهان به‌سمت اقدامات پیش‌گیرانهٔ قبل از وقوع بلایا سوق یافته است و سعی در تغییر توجه اذهان عمومی به سمت آمادگی قبل از وقوع آن است که این مهم نیازمند مدیریت ویژه، آموزش و تشریک مساعی همگان است. بنابراین در راهکارهای کاهش اثرات بلایای طبیعی و از جمله پدیدهٔ سیل، هدف اصلی به‌سوی آگاه‌سازی عمومی و تأکید بر عدم دست‌کاری و دخالت انسان در طبیعت است. «در وقوع پدیدهٔ سیل در یک منطقه عوامل متعددی مؤثر است. وقوع سیل علاوه بر اینکه تابع وقایع اقلیمی به‌ویژه مقدار، شدت، توزیع مکانی و زمانی بارندگی است. تحت تأثیر ویژگی‌های مختلف حوضهٔ آبخیز مانند کاربری اراضی و دخالت انسان نیز است. افزایش سطوح نفوذناپذیر حوضه که ناشی از شهرسازی و احداث انواع سازه‌ها بر خاک‌های نفوذپذیر است، به‌طور طبیعی از میزان سطوح نفوذپذیر که قادر به جذب بخشی از بارندگی هستند، می‌کاهد. حاصل این تغییرات، توسعهٔ زه‌کشی، حوضهٔ کوتاه شدن زمان تمرکز و افزایش شدت آب‌دهی سیلاب‌های حوضه خواهد بود» (آقایی، ۱۳۸۳، ۷۴). تبدیل مناطق دارای پوشش گیاهی مناسب و با تراکم بالا و متوسط و مراتع به زمین‌های با کاربری کشاورزی و مسکونی در

مرحله اول باعث کاهش قابلیت نفوذ خاک و این مهم خود سبب می‌شود در زمان وقوع بارش‌های شدید، حجم زیادی از بارش در قالب روان‌آب و سیلاب به سمت پایین دست جریان می‌یابد که این امر خود باعث انتقال رسوبات به اراضی زراعی و شهری پایین دست و نیز افزایش میزان فرسایش خاک‌های مرتعی و زراعی می‌شود. بر این اساس می‌توان ادعا کرد یکی از عوامل و فاکتورهای اساسی در وقوع سیلاب و برای مثال سیلاب سال ۱۳۷۸ نکا، تغییرات کاربری صورت گرفته در اراضی سطح حوضه و از طرفی ساخت‌وسازهای بی‌رویه در حاشیه رودخانه‌ها است که نه تنها حریم رودخانه‌ها را آسیب پذیر کرده است؛ بلکه موجبات تهدید شهر توسط سیلاب‌های احتمالی را نیز فراهم می‌آورد (غیور، ۱۳۷۱، ۷۷). چنان که اشاره شد انسان نقش پررنگ و مستقیمی در ایجاد و تکرار سیلاب‌ها داشته و دارد. در همه جا اراضی پست، دشت‌های سیلابی، مسیل‌ها، اراضی حاشیه رودخانه‌ها را به زیرساخت و سازهای شهری و روستایی برده است و از طرف دیگر تغییر کاربری اراضی جنگلی و مراتع به اراضی کشاورزی و زراعی و ... را در برنامه فعالیت هر روزه خود قرار داده است و این تفاسیر به این مهم منتج می‌شود. انسان در افزایش سیلاب‌های سال‌های اخیر نقش عمده‌ای داشته است و این دخالت‌ها همچنان ادامه دارد.

۶. نتیجه

از منظر فقهی، اصل تسلیط زمانی جاری است که با حقوق عامه در تزامم نباشد؛ اما در بررسی تزامم آن با مقررات حکومتی از جمله قانون حفظ کاربری

اراضی زراعی و باغ‌ها، جرم تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها یکی از مصادیق بارز تجاوز به حقوق اجتماعی است که پیامدهای زیان‌بار و آثار مخرب به همراه دارد و نظام حکومتی نباید در برابر آن بی تفاوت باشد. در اینجا به حکم عقل و شرع باید حقوق اجتماعی را مقدم دانست و حقوق فردی طبعاً لازم است محدود و کنترل شود. تغییر کاربری اراضی کشاورزی، زیربنای اقتصادی کشور و منافع نسل‌های آینده را با خطر مواجه خواهد کرد. ضروری است که مردم به پیش‌گیری از روند نابودی اراضی کشاورزی و جنگلی کمک کنند. با آگاهی از روند تغییر کاربری اراضی می‌توان به حفظ تعادل اکوسیستم کمک کرد. انجام آموزش‌های لازم، برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویجی برای کشاورزان در خصوص کشت محصولات دارای بازده اقتصادی بالا، اجرای قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها، بسیار می‌تواند مشکل گشا باشد. تهیه نقشه کاداستر کشور و تعیین کاربری‌ها در کشور و مشخص کردن نوع کاربری‌های زمین با توجه به طرح‌های آمایش سرزمین متناسب با بخش کشاورزی اولین و مهم ترین ابزار برای ممانعت از تغییر کاربری‌هاست. مقابله با تغییر کاربری زمین نیازمند یک برنامه جامع استفاده از سرزمین (آب و زمین) است که در آن کاربری‌ها در یک چهارچوب مشخص به صورت منطقی و متناسب با توان محیط انتخاب شود. سنددار کردن اراضی کشاورزی می‌تواند ضمن حفظ و احترام مالکیت کشاورزان به اراضی خود، برای رفع اختلافات ملکی بسیار موثر باشد. تأمین امنیت غذایی به عنوان یکی از وظایف مهم بخش کشاورزی، نه تنها مستلزم عرضه کافی مواد غذایی در سطح کلان است، بلکه ناظر بر توزیع عادلانه غذا به منظور دستیابی

همگان به این مهم نیز هست؛ از این رو نباید به راحتی امکان تغییر کاربری وجود داشته باشد. تخریب‌هایی که به شکل‌های مختلف با آن مواجه هستیم، زیربنای اقتصادی کشور و منافع نسل‌های آینده را با خطر مواجه خواهد کرد؛ بنابراین ضروری است که مردم نیز به پیش‌گیری از روند نابودی اراضی کشاورزی و جنگلی کمک کنند. با آگاهی از روند تغییر کاربری اراضی می‌توان به حفظ تعادل اکوسیستم کمک کرد. انجام آموزش‌های لازم، برگزاری دوره‌های آموزشی ترویجی برای کشاورزان در خصوص کشت محصولات دارای بازده اقتصادی بالا، اجرای قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها، بسیار می‌توان مشکل گشا باشد. تهیه نقشه کاداستر کشور و تعیین کاربری‌ها در کشور و مشخص کردن نوع کاربری‌های زمین با توجه به طرح‌های آمایشی سرزمین متناسب با بخش کشاورزی اولین و مهم‌ترین ابزار برای ممانعت از تغییر کاربری‌هاست. این نقشه هنوز برای اراضی کشاورزی ایران تهیه نشده است و بسیاری از اختلافات ناشی از نبود این نقشه است. مقابله با تغییر کاربری زمین نیازمند یک برنامه جامع استفاده از سرزمین (آب و زمین) است که در آن کاربری‌ها در یک چهارچوب مشخص به صورت منطقی و متناسب با توان محیط انتخاب شود. سنددار کردن اراضی کشاورزی می‌تواند ضمن حفظ و احترام مالکیت کشاورزان به اراضی خود، برای رفع اختلافات ملکی بسیاری مؤثر باشد. اجرای قانون جلوگیری از خرد شدن اراضی کشاورزی و سایر قوانین موجود و تشدید مجازات متخلفان توسط قوه قضائیه به منظور جلوگیری از سوءاستفادهٔ دلالان و فرهنگ‌سازی گسترده در جامعه از طریق رسانه‌های جمعی و به خصوص رسانه ملی صداوسیما در مورد

اثرات زیان‌بار تغییر کاربری اراضی کشاورزی و برگزاری دوره‌های آموزشی به ساکنان مناطق روستایی و کشاورزان و بهره‌برداران و اطلاع‌رسانی دقیق از عواقب و خطرات ناشی از تغییر کاربری اراضی و تخریب اراضی بسیار مؤثر است. همکاری و مشارکت سازمان‌های دولتی متولی حفاظت از محیط زیست و اراضی کشاورزی با سازمان‌های متولی احداث شهرک‌های صنعتی و واحدهای تولیدی و توسعهٔ بافت شهری در مناطق حریم روستایی و مستعد فعالیت‌های کشاورزی و نظارت بر اجرای دقیق طرح‌های در روستاها به منظور افزایش امکانات روستایی و ارتقای سطح خدمات عمومی و کاهش نسبی فاصله طبقاتی با مناطق شهری به عنوان راهکاری مؤثر در عدم مهاجرت ساکنان به شهرها و جلوگیری از تغییر کاربری اراضی رهاسده توسط روستاییان بازنگری طرح‌های هادی روستایی بر اساس قانون که سطح ساخت‌وساز در اراضی کشاورزی به خصوص اراضی حاصل‌خیز را نکاهد، از مهم‌ترین راهکارهای قابل پیشنهاد است. بررسی، شناسایی و بهره‌برداری از تجربه‌های بسیاری زیاد و موفق جهانی در حفظ و صیانت از اراضی کشاورزی، انجام مطالعات و انجام مطالعات راهبردی توسط دانشگاه‌ها و نهادهای علمی و تحقیقاتی در خصوص راهکارهای حافظ و استفاده مطلوب و اراضی کشاورزی و رعایت حریم رودخانه‌ها و طراحی نظام مدیریت یک‌پارچه گردشگری و نیز به کارگیری دانش‌های نوین در عرصه تولید محصولات کشاورزی، افزایش سطح مکانیزاسیون به منظور افزایش بازده اقتصاد کشاورزی باید بیش‌ازپیش در دستور کار قرار گیرد. خلأهای قوانین تغییر کاربری اراضی و تبصره‌های قانونی موجود باید اصلاح و بروکرایی

دریافت مالیات از توسعه‌دهندگان بافت مسکونی در منطقه و اختصاص آن برای حفظ اراضی مرغوب و نیز اعطای تسهیلات بانکی بلندمدت و کم‌بازده در راستای فعال‌سازی فعالیت‌های کشاورزی و دامداری در مناطق روستایی از مهم‌ترین رهیافت‌هایی است که برای ترویج حافظت از اراضی کشاورزی مد نظر است.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

اداری در این مورد شفاف‌سازی شود و اراضی هر منطقه بر اساس شاخص ارزشمندی اکولوژیک و توان اکولوژیک طبقه‌بندی و سپس در صورت عدم کفایت آن زمین برای کشت و کار مجوز تغییر کاربری آن‌ها صادر شود و پیشنهاد می‌شود که به‌منظور حمایت از تولید کشاورزی مالکان اراضی نامرغوب، صندوق ذخیره عوارض دریافتی از توسعه‌دهندگان تأسیس شود. تبیین سازوکار دریافت مالیات از توسعه‌دهندگان بافت مسکونی در منطقه و اختصاص آن برای حفظ اراضی مرغوب نیز می‌تواند از تغییر کاربری جلوگیری کند. به‌طور کلی با ایجاد تعامل بین گروه‌های مختلف دخیل در تغییر کاربری اراضی و نیز اعطای تسهیلات بانکی بلندمدت و کم‌بازده در راستای فعال‌سازی فعالیت‌های کشاورزی و دامداری در مناطق روستایی برای جلوگیری از تغییر کاربری اراضی، می‌توان گامی مؤثر در راستای حفظ اراضی مرغوب شهری برای رسیدن به توسعه پایدار برداشت.

تسریع و جدیت در تهیه نقشه کاداستر کشور، اجرای قانون جلوگیری از خرد شدن اراضی کشاورزی، برگزاری مستمر دوره‌های آموزشی به ساکنان مناطق روستایی و کشاورزان و بهره‌برداران و همکاران و مشارکت سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد (سمن‌ها) و تبیین شفاف علل ضرورت حافظت از اراضی - کشاورزی از جنبه‌های مختلف برای کشاورزان بررسی تجربه‌های موفق جهانی در حفظ و صیانت از اراضی کشاورزی، بررسی و اصلاح خلأهای قوانین تغییر کاربری اراضی و تبصره‌های قانونی موجود، به‌کارگیری دانش‌های نوین در عرصه تولید محصولات کشاورزی، افزایش سطح مکانیزاسیون با هدف افزایش بازده اقتصادی کشاورزی، سازوکار

منابع

فارسی

غذایی و سلامت جامعه»، دومین همایش تغییر اقلیم و امنیت غذایی، ۱۳۹۳.

- ذوقی، محمود؛ صفایی، امیر؛ ملک‌محمدی، بهرام، «تئوری بازی در تحلیل مناقشهٔ تغییر کاربری اراضی (مطالعهٔ موردی اراضی محل دارآباد تهران)»، نشریهٔ پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، شمارهٔ ۳، ۱۳۹۲.

- رضوی‌زاده، سمانه؛ سلاجقه، علی؛ خلیقی، شهرام؛ جعفری، محمد، «بررسی تأثیر تغییرات کاربری اراضی بر خصوصیات سیلاب با استفاده از مدل HEC-HMS (مطالعهٔ موردی: حوضهٔ آبخیز طالقان)»، نشریهٔ مرتع و آبخیزداری، شمارهٔ ۳، ۱۳۹۲.

- رنجبر، رحمان، «بررسی نحوهٔ تعامل امنیت غذایی با امنیت ملی»، فصلنامهٔ نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، شمارهٔ ۹، ۱۳۸۴.

- سعدی، حشمت‌الله؛ عوافی اکمل، فرشته، «عوامل مؤثر بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی در روستاهای شهرستان همدان»، مجلهٔ اقتصاد فضا و توسعهٔ روستایی، شمارهٔ ۲۴، تابستان ۱۳۹۷.

- سمیعی، علیرضا، «کشاورزی، فرصتی برای اشتغال مولد»، نشریهٔ خبری پیام جهاد کشاورزی، شمارهٔ ۱، ۱۳۸۵.

- صالحی، اصغر، «پیامد تغییرات کاربری اراضی کشاورزی بر ساکنان روستاهای مجموعهٔ شهری اصفهان»، پایان‌نامهٔ دکترای تخصصی رشتهٔ جغرافیا دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۲.

- احمدپور، امیر؛ علوی، اسماعیل، «شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مؤثر در تغییر کاربری اراضی کشاورزی روستایی (مطالعهٔ موردی شهرستان ساری)»، مجلهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شمارهٔ ۵، ۱۳۹۳.

- اسمعیل‌پور، نجمه؛ عزیزپور، ملکه، «تغییر کاربری اراضی کشاورزی و افزایش نسبی دمای شهر یزد ناشی از رشد سریع آن»، مجلهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، شمارهٔ ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۸.

- افراخته، حسن؛ حجت‌پور، محمد، «خزش شهری و پیامدهای آن در توسعهٔ پایدار روستایی (مطالعهٔ موردی روستاهای پیرامونی شهر بیرجند)»، فصلنامهٔ بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران، شمارهٔ ۳۹، ۱۳۹۲.

- انصاری‌فرد، مصطفی، «ضرورت خوداتکایی در تولید محصولات کشاورزی»، نشریهٔ خبری پیام جهاد کشاورزی، شمارهٔ ۱، ۱۳۸۵.

- آقایی، غلام‌حسین، راهبرد توسعهٔ پایدار بخش کشاورزی و روستایی (همایش راهبردهای توسعهٔ پایدار در بخش‌های اجرایی کشور)، چاپ اول، تهران، نشر سازمان حفاظت محیط‌زیست، ۱۳۸۳.

- توپچی، بهروز، «اشتغال در کشاورزی توسعه‌یافته»، فصلنامهٔ نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، شمارهٔ ۱۲، ۱۳۸۵.

- خواجه، صفورا؛ خیرخواه دنیا، «بررسی اثرات تغییرات کاربری اراضی زراعی و جنگلی بر امنیت

- معین‌الدین، منیژه، «امنیت غذایی و توسعه»، ماهنامه سنبله، شماره ۱۳۳، ۱۳۸۴.

- مهدوی، مسعود؛ برنج‌کار، افسانه، «سطح‌بندی دهستان‌های شهرستان بندر انزلی بر اساس تغییرات کاربری اراضی روستایی (با استفاده از مدل فرایند سلسله‌مراتبی AHP)»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۱۲، ۱۳۹۲.

- میرحسینی، سید احمد، «انفال و جایگاه آن در اسلام»، مجله مجتمعه آموزشی عالی قم، شماره ۱۱، ۱۳۸۰.

- هاتفی، مائده؛ سلطانی، شهره، «توانمندی زنان روستایی، کلید تحقق امنیت غذایی پایدار»، فصلنامه کشاورزی و توسعه پایدار، شماره ۴۳، ۱۳۹۱.

عربی

- حر عاملی، محمدبن الحسن، وسائل الشیعه، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴.

- محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات علوم اسلامی، ۱۳۶۳.

- غیور، حسنعلی، «پیش‌بینی سیلاب در مناطق مرطوب»، فصلنامه تحقیقات جغرافیا، شماره ۲۵، ۱۳۷۱.

- قماش‌پسند، محمدتقی؛ مشیری، سیدرحیم؛ کردوانی، پرویز؛ مهدوی، مسعود، «تحلیل نقش خانه‌های دوم در تغییر کاربری اراضی کشاورزی روستاهای بخش مرکزی شهرستان لاهیجان»، مجله نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۹۶.

- قهرودی، منیژه و همکاران، «بررسی اثرات تغییر کاربری اراضی بر حج روان آب شهری تولیدشده در منطقه ۲۲ کلان‌شهر تهران»، ارائه‌شده در نخستین همایش ملی آرمان‌شهر ایران، ۱۳۹۰.

- کاپاتاس، واما یا، «برنامه‌ریزی برای فقرزدایی از طریق توسعه روستایی در هندوستان»، نشریه جهاد سازندگی، شماره دویست و پنجاه و سوم، ۱۳۸۱.

- گرشاسبی، محمدرضا، «امنیت غذایی و توسعه»، ماهنامه سنبله، شماره ۱۳۳، ۱۳۸۳.

- محمدی‌کنگرانی، حنانه و همکاران، «بررسی ارتباط میان تغییر کاربری اراضی و نرخ نفوذپذیری خاک و تأثیر آن در وقوع سیل»، فصلنامه جغرافیایی طبیعی، شماره ۱۱، ۱۳۹۰.

- مطیعی لنگرودی، سیدحسن؛ رضوانی، محمدرضا؛ کاتب ازگمی، زهرا، «بررسی اثرات اقتصادی تغییر کاربری اراضی کشاورزی در نواحی روستایی (مطالعه موردی دهستان لیچارکی حسن رود بندر انزلی)»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۱، ۱۳۹۱.